

باقانون جدید حجاب می‌خواهیم تنش‌ها کم شود

چرا پادکست فارسی رشد فوق‌العاده‌ای داشته؟ آینده چگونه خواهد بود؟

پادکست‌ها از آنچه می‌شنوید به شما نزدیک‌ترند



روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: راپو مضمون:
روایت‌های جنگ

شماره مسلسل: ۲۷۰۷
شماره: ۸ مهر ۱۴۰۲
تاریخ تولد: ۱۴۴۵
۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳
شماره: ۳۹۶۹

www.fdn.ir | ol.15 | No. 3969 | 16 Pages



تحلیل دکتر ولایتی درباره وقایع قفقاز جنوبی؛ پروژه ناتو به ۴ دلیل شکست می‌خورد

پرونده ویژه «فرهیختگان»: پروژه پیچیده «ناتو» در کریدور «زنگه‌زور» مناسبات امنیتی منطقه را برای ایران، چین و روسیه تغییر خواهد داد

گفتارها در قفقاز

مدیرکل دفتر نوآوری و فناوری وزارت صمت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:
پژوهشکده‌ها دنبال توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه نیستند

شایعه نفوذ ایران در دستگاه سیاست‌خارجی آمریکا شبکه‌های فارسی زبان را مشوش کرد
حالا با کی ببندم؟

معاون علوم تربیتی و مهارتی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:
۲۰ درصد جمعیت دانشجویی فعال وارد طرح پویش می‌شوند

کریدور زنگه‌زور، چین و روسیه را درگیر خواهد کرد تعامل هزینه‌زای پکن و مسکو



دگرپوی‌های پراکنده بین آذربایجان و ارمنستان در سال‌های گذشته، احتمال یک دگرپوی نظامی را تقویت کرده بود. خیلی طول نکشید که آتش جنگ دوم قزوین در سال ۲۰۲۰ زبانه کشید. در ابتدا تصور این بود که این جنگ بیش از هر چیز ریشه در ادعاهای سرزمینی طرفین دارد. این البته بهانه جنگ بود و رفته‌رفته مشخص شد که دستورکار از قبل آماده شده‌های روی میز قرار دارد. برای آذربایجان و ترکیه، ارمنستان کلید رسیدن به آسیای میانه بود و از همین رو پیش از جنگ، ارتش آذربایجان به انواع تسلیحات مورد نیاز از سوی ترکیه تجهیز شده بود. گرفتاری روس‌ها در جنگ اوکراین و ناتوانی چینی‌ها در درک تحولات منطقه باعث شد تا ایران به تنهایی در مقابل ایده خطرناکی بایستد که علاوه بر تهران، امنیت مسکو و پکن را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌داد. ایران به صراحت با هر طرحی که ژئوپلیتیک منطقه را تغییر می‌داد، مخالفت کرد و آن را خط قرمز خود خواند. تهران به خوبی درک کرده بود که کریدور زنگه‌زور جدا از قطع دسترسی ایران به اروپا و مسیر ارمنستان، امنیت ایران را نیز به مخاطره می‌اندازد. روسیه نیز تحت الشعاع این تهدید قرار می‌گرفت اما نیاز روس‌ها به ترکیه، آنها را ناچار به چشم پوشی از قفقاز جنوبی کرده بود. چینی‌ها هم که از گذشته با توجه به نگرانی از جنبش جدایی طلب اوغوز در استان سین‌کیانگ (ترکستان شرقی)، همواره خواهان یک ارمنستان قوی در قفقاز جنوبی برای مقابله با پان‌ترکیسم بودند. به دلایل گوناگون - که یکی از آنها می‌تواند تایوان باشد - نظاره‌گر این میدان شدند. اما به نظر می‌رسد ترکیه در ابتکار کمربند و جاده پکن، پیشنهاد داده تا به جای روسیه و ایران، ابتکار چینی از کریدور میانه که چین را از آسیای مرکزی به قفقاز جنوبی و ترکیه را به اروپا متصل می‌کند، جایگزین کند. شاید همین موضوع هم باعث شده تا پکن در برابر تحولات قفقاز جنوبی در کنار روسیه، تماشاچی باشند. گذشت زمان نشان داد که زنگه‌زور قرار است کشورهای ترک‌زبان را به یکدیگر متصل کند و این اتصال می‌تواند تا سین‌کیانگ یعنی همان استانی که بیشترین نگرانی امنیتی پکن معطوف به آن است، ادامه پیدا کند. در جنگ سوریه، ترکیه یکی از کانال‌های انتقال اوغوزها به سوریه برای پیوستن به گروه‌های تروریستی همچون داعش بوده است. در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار ترک اوغوزی در ترکیه زندگی می‌کنند. آنها در ترکیه علیه چین و سیاست‌هایش در قبال اوغوزها کارزار و کمپین‌ها راه‌اندازی کرده‌اند. اما روسیه با این گمان که کار در سوریه تمام شده است، ابتدا حاضر به میان‌ه‌م و ترکستان شرقی، رادیکالیسم پان‌ترکیسم را در منطقه توسعه خواهد داد و این یعنی تهدیدی علیه پکن. اما موضوع تنها به رادیکالیسم پان‌ترکیسمی خلاصه نمی‌شود. موضوع نگران‌کننده‌تر، حضور ناتو در منطقه قفقاز جنوبی است. روسیه برای جلوگیری از این اقدام یک سال ونیم است که با اوکراین در حال جنگ است. مسکو دیگر توانی برای یک جنگ دیگر در منطقه ندارد. حضور ناتو در قفقاز جنوبی که هم آذربایجان و هم ارمنستان از آن استقبال می‌کنند، می‌تواند به آن سوی دریای خزر و آسیای میانه نیز گسترش پیدا کند. در چنین شرایطی دیگر نه روسیه از باقی‌مانده‌های برای تقابل با ناتو دارد و نه چین امکان تقابل با دو تهدید مجزا را. مسکو و پکن، تعامل و بی‌عملی در تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را تجربه کرده‌اند. در لیبی و کشورهای اطراف غرب آسیا، اعمال منطقه پرواز ممنوع موافقت کردند تا غرب با استفاده از آرای دو کشور در شورای امنیت، دست به عملیات نظامی در لیبی بزند. در سوریه هم وضع به همین منوال بود. روس‌ها و چینی‌ها در کنار دسترسی از نقشه غرب برای سوریه نداشتند و با سکوت به پیشبرد نقشه آمریکا و متحدانش در این کشور کمک کردند. اگر در سوریه، ایران ورود جدی‌ای نداشت و وارد میدان نمی‌شد روس‌ها باید به جای اوکراین با تروریست‌های تکفیری چینی می‌جنگیدند و چینی‌ها هم با ارتش اوغوزها، همانند تحولات قفقاز، در سوریه نیز ایران از همان ابتدا از طراحی غرب برای منطقه آگاه بود و از همین رو با وجود نظرات مختلف در داخل، کمک‌های مستشاری به سوریه را آغاز کرد. اگرچه رابینتی‌ها برای مشارکت قدرت‌هایی همچون روسیه و چین که در برابر غرب تعریف می‌شدند، در دست‌سورکار ایران قرار داشت اما روسیه با این گمان که کار در سوریه تمام شده است، ابتدا حاضر به همراهی نشد ولی پس از تثبیت مواضع دوطرف در جنگ و جلسات متناهی توجیهی مقامات سیاسی و نظامی ایران برای مقامات روسی، مسکو وارد جنگ شد. کمی بعد نیز چین به شکلی به جنگ ورود کرد تا با کمک ایران، پرونده تروریست‌های تکفیری و حامیان غربی‌شان در سوریه پیچیده شود. تصمیم‌گیران در روسیه و چین باید بدانند که نه قفقاز جنوبی، سوریه است و نه ناتو، تروریست‌های تکفیری، این بار تعادل در تصمیم‌گیری، هزینه‌های سنگینی برای پکن و مسکو در پی خواهد داشت.

«زنگه‌زور»؛ کریدور آتش



پس از مدتی کش و قوس پیرامون احتمال حمله آذربایجان به ارمنستان برای تصرف جنوب این کشور جهت ایجاد کریدور موسوم به «زنگه‌زور»، اصرار این کشور به همراه ترکیه و ناتو برای این دالان نشان می‌دهد با به بن بست رسیدن راهکارهای دیگر «درمان» با داغ کردن زخم «احتمالاً راهکاری نماند» خواهد بود. روسیه در جنگ اوکراین درگیر است و هم‌زمان به دلیل احتیاج به ترکیه و آذربایجان جهت دور زدن تحریم هاتصمیم گرفته مسئولیتی در خصوص مقابله با ناتو در قفقاز برعهده نگیرد. به رزم مسکو در صورت تحرک در قفقاز ضمن تشدید محاصره روسیه از طریق پیوستن ترکیه به تحریم‌ها، جبهه دومی در برابر این کشور در کنار اوکراین گشوده می‌شود و هم‌زمان بیم آن می‌رود در آسیای میانه ناتو و ترکیه از طریق سازمان کشورهای ترک‌زبان، جبهه سوم علیه این کشور ایجاد کنند. در این میان ایران تنها عامل بازارینده در برابر ناتو و عواملش در قفقاز است. اگر این جاه طلبی‌های بی‌پایان ادامه داشته باشد، خطر جنگ بیش از پیش نمایان خواهد شد. در این بین آذربایجان بیشترین زیان را از هرگونه جنگ و دگرپوی کوتاه‌مدتی موق به انجام اقداماتی برای جدایی از پان‌ترکیسم در قفقاز جان سالم به در ببرد، احتمال دارد با جدایی چند قسمت از خاک خود مواجه شود. تالش، نخجوان و جنوب قزوین، بخشی از این مناطق هستند:

۱. تالش

استان لنکران - آستانار در جنوب شرقی آذربایجان واقع شده و اکثریت جمعیتش را قوم تالش تشکیل داده‌است. قومی که ایرانی‌تبار و فارسی‌زبان به حساب می‌آیند. این منطقه جالش‌های بسیاری را با دولت مرکزی تجربه کرده و در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مدت کوتاهی موفق به انجام اقداماتی برای جدایی از پان‌ترکیسم در قفقاز بود. ۷۰ کیلومتر مربع وسعت و ۹۵ هزار نفر جمعیت دارد. تالش در نزدیکی محدوده استقرار سپاه قدس گیلان واقع شده است که در طول جنگ تحمیلی یکی از اصلی‌ترین یگان‌های هجومی سپاه به‌ویژه در مناطق صعب‌العبور و کوهستانی کردستان بود و همچنین یگان‌هایی از توپخانه ارتش در استان اردبیل در مجاورت استان لنکران - آستانار مستقرند.

۲. نخجوان

نخجوان به عنوان یک منطقه برون‌بوم اتصال مستقیمی به خاک اصلی آذربایجان ندارد. این منطقه ساختار استانی ندارد و «جمهوری خودمختار نخجوان» نام دارد. مجلس عالی این منطقه به ۱۱ عضو به‌ظاهر مسئولیت‌های اصلی در امور داخلی را برعهده دارد که رئیس این مجلس، تقریباً به عنوان نخست‌وزیر جمهوری خودمختار عمل می‌کند. با این حال نخجوان تحت کنترل باکو است و وسعت آن پنج هزار و ۵۰۲ هزار کیلومتر مربع است و ۲۵۹ هزار نفر جمعیت دارد. این امر تقریباً مشابه شهرستان قزوین است؛ شهرستانی با وسعت پنج هزار و ۶۹۳ هزار کیلومتر مربع و ۵۶۰ هزار نفر جمعیت. طول این منطقه به‌طور تقریبی ۱۵۰ کیلومتر و عرض آن در فواصل مختلف بین ۵۰ تا ۵ کیلومتر است. این جمهوری دارای ۲۴۶ کیلومتر مرز مشترک با ارمنستان، ۱۱ کیلومتر با جمهوری ترکیه و دارای ۲۱۵ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری خودمختار نخجوان دارای ۶ شهرستان (نخجوان، اردواید، جلفا، شورو، شهریز و بابک)، هفت شهر و ۲۰۶ روستا بوده و مرکز این منطقه، شهرستان نخجوان است که جمعیت آن ۹۵ هزار نفر و وسعتش به ۱۹۲ کیلومتر مربع می‌رسد. با این حال شهر نخجوان وسعتی برابر با ۱۵ کیلومتر مربع دارد و جمعیتش تقریباً به ۹۰ هزار نفر می‌رسد؛ باقی جمعیت این شهر در شهرک علی‌آباد در شمال آن ساکنند که شهرداری متمایزی دارد. این منطقه در نزدیکی محدوده قراگه عملیاتی لشکر ۱۱ تریز قرار گرفته که از سه

بخشی از استعداد نظامی قراگه شمال غرب ارتش برای برخورد با تجاوزگری در قفقاز		
نام یگان	فاصله تا مرزهای آذربایجان	تعداد نفرات به صورت تقریبی
قراگه عملیاتی لشکر ۲۱ پیاده آذربایجان (تبریز)	تیپ ۱۲۱ تکاور تبریز: ۱۷۵ تا نخجوان	۳۱ هزار نفر
	تیپ ۲۲۱ پیاده مراغه: ۱۰۴ کیلومتر تا نخجوان	
	تیپ ۳۲۱ پیاده مراغه: ۳۰۲ کیلومتر تا نخجوان	
قراگه عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی قزوین	تیپ ۱۱۶ پیاده مکانیزه قزوین: ۶۳۰ کیلومتر	۲۶ هزار نفر
	تیپ ۲۱۶ زرهی زنجان: ۴۶۰ کیلومتر	
تیپ ۲۵ تکاور تبریز	۱۷۵ کیلومتر تا نخجوان	۵ هزار نفر
	تیپ ۴۰ متحرک هجومی سراب	
گروه ۱۱ توپخانه مراغه	۳۴۰ کیلومتر تا جنوب قره‌باغ	۹ هزار نفر
	گروه ۳۰۲ کیلومتر	
مجموع ۹ تیپ و گروه یا معادل سه لشکر	کمینه ۱۰۴ تا بیشینه ۷۲۰ کیلومتری تا خطوط تماس مرزی	مجموع ۷۱ هزار نفر

یگان‌های نیروی زمینی سپاه در شمال غرب کشور برای برخورد قطعی با تجاوزگری در قفقاز			
نام یگان	فاصله تا باکو پایتخت آذربایجان	حداقل استعداد	حداکثر نفرات پس از تقویت با نیروهای بسیج
لشکر ۳۱ عاشورا آذربایجان شرقی	۵۵۰ کیلومتر	۴ هزار نفر	۲۰ تا ۴۰ هزار نفر
لشکر ۱۶ قدس گیلان	۴۷۰ کیلومتر	۴ هزار نفر	۲۰ تا ۴۰ هزار نفر
لشکر ۳۲ انصارالحسین همدان	۸۲۰ کیلومتر	۴ هزار نفر	۲۰ تا ۴۰ هزار نفر
تیپ ۳۶ انصارالمهدی زنجان	۶۳۰ کیلومتر	۱۳۰۰ نفر	۶۵۰۰ تا ۱۳ هزار نفر
تیپ ۸۲ صاحب‌الأمر قزوین	۶۴۰ کیلومتر	۱۳۰۰ نفر	۶۵۰۰ تا ۱۳ هزار نفر
تیپ ۳۷ حضرت عباس اردبیل	۳۷۰ کیلومتر	۱۳۰۰ نفر	۶۵۰۰ تا ۱۳ هزار نفر
مجموع معادل ۴ لشکر	کمینه ۳۷۰ تا بیشینه ۸۲۰ کیلومتر	مجموع ۱۶ هزار نفر	مجموع ۸۰ هزار تا ۱۶۰ هزار نفر

قراگه‌های عملیاتی لشکرهای ۲۱ پیاده تبریز، ۶۴ پیاده ارومیه و ۱۶ زرهی قزوین به همراه تیپ ۴۰ پیاده سراب، تیپ ۲۵ تکاور تبریز و تیپ ۴۱ متحرک هجومی قوشچی است. از این میان فارغ از یگان‌های حاضر در استان آذربایجان غربی برای مقابله با تحرکات احتمالی در مرزهای مجاور این استان، دیگر یگان‌ها قادر به مداخله مؤثر در نبرد احتمالی در قفقاز هستند. در سپاه نیز سه قراگه عاشورا، غدیر، نجف اشرف و صاحب‌الزمان با تمام با بخش‌های استعداد خود می‌توانند در دگرپوی‌ها حضور یابند. مشهورترین یگان‌های زمینی سپاه در منطقه، لشکرهای ۳۱ عاشورای آذربایجان غربی، ۱۶ قدس گیلان و ۳۲ انصارالحسین همدان هستند. مجموع یگان‌های مسلح حاضر در شمال غرب کشور ضمن استقرار در خطوط مرزی برای جلوگیری از زرخه عناصر دشمن به داخل مرزها، می‌توانند با نابودی یگان‌های متمرکز شده دشمن در خطوط تماس، راه را برای نفوذ و پیش‌روی یگان‌های هجومی برای تصرف مناطق حساس کشورهای متخاصم فراهم آورند. استعداد نظامی حاضر در شمال غرب کشور که در حالت حداقلی به بیش از ۱۰۰ هزار نفر نیرو می‌رسد می‌تواند به صورت مستقل و با تهاجم‌های زمینی با دشمن مقابله کند. با این حال این یگان‌ها به‌ویژه در نیروی زمینی سپاه‌اترین نیروهای مقاومت بسیج به سرعت می‌توانند مجموع نیروهای حاضر در این منطقه را به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر برسانند. به عبارت دیگر تعداد نیروهای فعلی زمینی حاضر در شمال غرب کشور، ۱۲ برابر کل نیروی زمینی ارتش آذربایجان است که با افزایش نیرو، می‌تواند با سرعت بالایی به ۲ تا ۲۵ برابر آن برسد. ادامه در صفحه ۳

تیپ مستقل ۱۲۱ تکاور تبریز، ۲۲۱ پیاده مراغه و ۳۲۱ پیاده مرند تشکیل شده است. به لحاظ دسترسی این یگان‌ها به شهر نخجوان، تبریز ۱۷۵ کیلومتر، مرند ۱۰۴ کیلومتر و مراغه ۳۲۲ کیلومتر از نظر زمینی با این شهر فاصله دارند. مجموع نفرات این سه یگان به ۳۱ هزار نفر می‌رسد که به‌طور تقریبی معادل ۳۰ درصد ارتش آذربایجان و ۴۰ درصد نیروی زمینی این کشور است. در کنار قراگه عملیاتی لشکر ۲۱ تبریز، تیپ ۲۶ زرهی میانه نیز حضور دارد که این یگان ۳۴۱ کیلومتر با شهر نخجوان فاصله دارد.

۳. جنوب قره‌باغ

قره‌باغ اشنغالی یک پنجم خاک آذربایجان است که تاکنون تقریباً نیمی از آن آزاد شده، بنابراین از وسعت ۱۷ هزار کیلومتر مربعی این منطقه، تقریباً ۹ هزار کیلومتر آن آزاد شده است. جنوب قره‌باغ در مجاورت محدوده عملیاتی سپاه آذربایجان و تیپ ۴۰ متحرک هجومی ارتش در سراب قرار دارد. فاصله این یگان ارتش تا جنوب قره‌باغ ۲۴۰ کیلومتر است.

نیروهای زمینی شمال غرب ایران

یگان‌های زمینی ارتش و سپاه در شمال غرب کشور در صورت ماجراجویی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تغییر ژئوپلیتیک قفقاز، وظیفه برخورد با این تحرکات و مجازات عاملان را برعهده خواهند داشت که هم‌زمان توسط یگان‌های بزرگ موشکی و پهپادی حمایت خواهند شد. قراگه شمال غرب نیروی زمینی ارتش، متشکل از